ادامه از صفحه ۱۱

مجتبی امانی، رئیس پیشین دفتر حفظ منافع ایران در مصر (دفتر حفظ منافع، معادل سفارتخانه در دوران رکود یا قطع روابط دو کشور است)

زیارت راس‌الحسین(ع) در سرزمین فراعنه

محبت به اهل‌بیت، یک امر واجب در جهان اهل سنت تلقی می‌شود. تمامی مفسران قرآن، چه اهل سنت و چه شیعه، در تفسیر آیه «قُل لَا أَسأَلُکُمْ عَلَیهِ أَجرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی» (بگو: من از شما اجری برای رسالتم جز این نمی‌خواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندانم منظور دارید) اظهار محبت و دوستی با اهل‌بیت را امری واجب می‌شمارند و حداقل اظهار این محبت را به حضرت علی(ع) و فاطمه زهرا(س)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) می‌دانند.
آن عقاید افراطی که تحت عنوان وهابیت در جهان اسلام ظهور کرده، عقاید مورد قبول قاطبه اهل سنت نیست و توجه و احترام و محبت به اهل‌بیت(ع) امری پذیرفته شده در جهان اهل سنت است. هرچند شیعه، براساس تفاسیر خود، این مودت را مترادف با ولایت می‌داند و از تفسیر این آیه، لزوم فرمانبرداری از ائمه(ع) را استنباط می‌کند.
نگاهی که سعودی‌ها و داعش و برخی کشورهای عربی خلیج‌فارس می‌خواهند از اسلام القا کنند، از نظر مردم مصر کاملا رد شده است. مردم مصر این نگاه را قبول نمی‌کنند. نگاه آنها به علت وجود اشتراکات تاریخی و تمدنی بین ایران و مصر، نگاه مشابهی به اسلام است، یعنی وجود نگاه معتدل به دین. آن نگاه تند و تیزی را که در جریانات ضدشیعه در کشورهای عربی جنوب خلیج‌فارس دنبال می‌شود، مردم مصر دنبال نمی‌کنند. این تفاوتی است که بین مردم مصر و ایران با این کشورها وجود دارد.

زیارت مقام‌های متبرک اهل‌بیت در مصر

در مصر ابراز محبت به علت وجود مراقد شریف اهل‌بیت(ع) همچون مقام راس‌الحسین(ع)، مدفن حضرت زینب(س)، مدفن حضرت نفیسه(س) و تعداد زیادی از امامزادگان، نمود آشکارتری پیدا کرده است. وجود این مکان‌های متبرک باعث شده مردم اهل سنت مصر به ورای احترام به اهل‌بیت(ع) و اظهار محبت و دوستی با آنان، به مراقد مشرفه اهل‌بیت(ع) هرچند ممکن است منسوب به آنها باشد، بروند.
در خیلی از کشورهای اسلامی برخی مقام‌های منسوب به اهل‌بیت(ع) وجود دارد که مورد احترام است. اینکه در صحت آنها شک و تردید وجود داشته باشد که آیا آن امام یا آن شخصیت اسلامی از اهل‌بیت(ع) در آنجا دفن شده، به علت برخی ابهاماتی که در تاریخ وجود دارد، طبیعی است. البته بنی‌امیه و بنی‌عباس همواره تلاش کردند این تاریخ دارای ابهام باشد و برخی از این ابهامات هم به علت شرایط امنیتی و پلیسی بود که حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس اعمال می‌کردند.
درمورد چهار مرقدی که در مصر گفته شد، برخی علمای اسلامی ازجمله آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی اعتقاد داشتند حضرت زینب کبری(س) یعنی قهرمان کربلا در قاهره مدفون هستند و مقام منسوب به آن حضرت در سوریه، منتسب به دختر امام علی(ع) حضرت ام کلثوم است. درباره سرنوشت سر مقدس امام حسین(ع) هم روایت‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این روایت‌ها این است که سر مطهر حضرت در دوران حکومت فاطمی‌ها یعنی ۱۰۰ سال بعد از شهادت آن حضرت، درون صندوقچه‌ای بود که در عسقلان، واقع در فلسطین اشغالی قرار داشت و حاکمان فاطمی مصر، با توجه به نفوذی که داشتند، توانستند این صندوقچه و سر مطهر حضرت را به قاهره منتقل کنند و در مکان فعلی که مسجدی به نام راس‌الحسین(ع) است، دفن کنند.
البته این روایت در کنار روایت‌های دیگری همانند بازگرداندن سرهای مطهر به اجساد در کربلا یا دفن آنها در سوریه قرار دارد؛ ولی در هر حال ورود این صندوقچه، صرف‌نظر از اینکه سر مطهر حضرت داخل آن بوده یا نبوده، در تاریخ وارد شده است. آنچه مورد ابهام قرار دارد، این است که این صندوقچه حاوی سر مطهر حضرت بوده یا خیر.
حضرت نفیسه(س) بنت حسن ابن زید ابن امام حسن(ع) است. حضرت نفیسه(س) نوه چهارم امام حسن(ع) و همسر اسحاق موتمن، پسر امام جعفر صادق(ع) است. هم در دفن ایشان در مصر و هم در زندگی ایشان در مصر کسی شک و شبهه‌ای نداشته و مقام حضرت نفیسه(س) بسیار مورد توجه مردم مصر قرار دارد.

عشقی که منحصر به شیعیان نیست

در بیان تعداد شیعیان مصر آمار مختلفی وجود دارد. مشخص است که تعداد زیادی شیعه در مصر زندگی می‌کنند. ولی با توجه به جرم‌انگاری دولت مبارک درباره شیعه بودن، این عقاید به صورت مکتوم بین مردم مصر وجود دارد. اعدادی همچون پنج‌هزار تا ۵۰۰ هزار نفر در این باره بیان شده‌اند که ارقام دقیقی نیست ولی آنچه در مصر اهمیت دارد، فرهنگ شیعه است که به‌خصوص در دوره حکومت فاطمی‌ها ظهور و بروز جدی و آشکاری داشت. این فرهنگ آنچنان در مصر وجود دارد و مردم مصر و در شمال آفریقا نسبت به مناسبت‌های مربوط به اهل‌بیت(ع) توجه نشان می‌دهند که به‌ویژه در ولادت آنها سعی دارند این ولادت را با جشن و سرور و شادمانی و اطعام و توزیع شربت مورد توجه قرار دهند. این اقدامات برای اهل تسنن است. به‌خصوص در قاهره و در چهار زمان مختلف، اعم از ولادت حضرت امام حسین(ع)، روز ورود سر مقدس به قاهره، تولد حضرت زینب(س) و تولد حضرت نفیسه(س) این مراکز چراغانی می‌شوند، انبوه مردم مشتاق اهل‌بیت(ع) به این اماکن می‌آیند و مراسم مختلفی در آنجا ازجمله سرودخوانی یا در مواقعی کارناوال‌های خیابانی راه می‌افتد.
البته در دوره‌های مختلف براساس سیاست حکومت‌ها ما شاهد برخی تغییرات در این مراسم هستیم. ولی درهرحال این چهار مناسبت و برخی مناسبت‌های دیگر همواره مورد توجه رسانه‌ها و مردم این کشور، به‌خصوص ساکنان شهر قاهره که این چهار مرقد در آنجا قرار دارد، بوده است. البته در مصر و شاید در دیگر کشورهای شمال آفریقا توجه به ولادت این بزرگواران بسیار بیشتر از وفات آنهاست. معمولا در مصر در زمان شهادت یا وفات این شخصیت‌ها مراسم خاصی برگزار نمی‌شود. بعضا در رسانه‌ها تحت‌عنوان مقاله‌ای و...، مطالبی منتشر می‌شود. عزاداری برای این شخصیت‌ها در مصر وجود ندارد، البته در دوره‌هایی شیعیان مصر سعی کردند روز عاشورا به مسجد راس‌الحسین(ع) و ضریح بیایند که بعضا با برخی ممانعت‌های امنیتی مواجه بودند. به‌طور کل عزاداری در بخشی از جهان اهل سنت جایی ندارد. گریه کردن فرهنگ نیست. کسی که فوت می‌کند را دفن می‌کنند و تمام می‌شود. ختمی هم برگزار می‌کنند و قرآنی می‌خوانند و تمام می‌شود. اینکه گریه و زاری کنند، بین اهل سنت وجود ندارد. با این حال زیارت بقاع متبرکه قاهره همیشه و حتی در دوره‌هایی که فضا امنیتی بود، وجود داشته و الان هم مشکلی در موردش نیست؛ چون محبت را نمی‌توان از دل مردم بیرون کرد. مردم گرایش سیاسی ندارند و برای زیارت می‌آیند. این دو را مترادف نگیرید که هرکسی به اهل‌بیت(ع) توجه دارد، لزوما شیعه است. در اهل سنت کسی نمی‌تواند به اهل‌بیت(ع) توهین کند. یعنی دوستی با نزدیکان پیامبر را امری واجب می‌دانند. اسامی اهل‌بیت(ع) هم از اسامی مرسوم و مورد توجه مردم مصر و دیگر کشورهای شمال آفریقا است. علی، فاطمه، حسن، حسین و حتی حسنین را برای نام فرزندان خود انتخاب می‌کنند. به عبارت دیگر اسم فرزند خود را حسنین می‌گذارند.

روزنامه‌نگاران مصر و مقاله‌نویسی عاشورایی

مقالات روزنامه‌ها هم که به بهانه عاشورا منتشر می‌شوند، به‌عنوان امر تاریخی و البته با جانبداری از اهل‌بیت است. در تاریخ‌نگاری که اهل سنت داشتند و اعتقاداتی که وجود داشت، در بیان اختلاف بین حضرت علی(ع) و معاویه، برخی آن را همانند خلفای راشدین تفسیر می‌کنند و اعتقاد دارند نباید به این اختلاف وارد شویم. البته تعداد این افراد اندک است. در علمای اهل سنت در این اختلاف اکثرا معاویه را برحق نمی‌دانند ولیکن تقریبا تمامی علمای اهل سنت در عمل معاویه در مورد تعیین یزید به‌عنوان جانشین خود، این را امری کاملا غیراسلامی و خلاف تعهدات معاویه دانسته‌اند و در این رابطه حق را به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) می‌دهند. بنابراین جایگاه امام حسین(ع) و حرکت و قیام او در مقابل ظلم یزید به‌عنوان یک امر پسندیده و در راستای دستورات اسلامی و برگرداندن اسلام به مسیر درست و صحیح خود تلقی می‌شود.

مقام رأس الحسین ـ علیه السّلام ـ در شهر قاهره از اماکن مورد احترام شیعیان و دوستداران ائمه معصومین ـ علیهم السّلام ـ به شمار می رود که روزانه شاهد زیارت تعداد زیادی از عاشقان خاندان عصمت و طهارت است. این مکان متبرك بنا به قولی محل دفن سر مبارك حضرت امام حسین ـ علیه السّلام ـ است.

محمدمهدی حسن، مبلغ مذهبی از کشور بنگلادش

به تو از دور سلام

ما در کشورمان بنگلادش، شیعه دوازده‌امامی هم وجود دارد که البته خیلی زیاد نیستند. اگر خیلی زیاد باشند، ۳۰ تا ۵۰ هزار نفر هستند؛ درحالی که جمعیت بنگلادش طبق آماری که دولت ارائه کرده، ۱۷۰ میلیون نفر است. بعد از انقلاب اسلامی در ایران، می‌توان گفت در بنگلادش هم انقلاب رخ می‌دهد. قبلا شیعیان ۱۰ هزار نفر هم نبودند، شاید ۶-۵ هزار نفر شیعه بودند و الان جمعیت‌شان به ۵۰ هزار نفر رسیده است. غیر از شیعه دوازده‌امامی، ۴۰-۳۰ میلیون نفر هم هستند که خودشان را سنی و محب اهل‌بیت می‌نامند. ماجرای محبین این است که حدود ۵۰۰-۴۰۰ سال پیش در بنگلادش جمعیت شیعه بسیاری داشتیم. سپس با حضور انگلیسی‌ها شیعیان از بین رفتند. خیلی از شیعه‌ها به‌عبارتی تقیه کردند و می‌ترسیدند مذهب خود را بیان کنند. اینها کم‌کم و پس از چند نسل، تغییر کردند و اهل سنت شدند. آنچه همچنان ثابت مانده، محب اهل‌بیت بودن است. یعنی پنج تن را دوست دارند. خودشان می‌گویند اهل سنت هستیم و نمی‌دانند این درجه از محبت، متعلق به شیعه اهل‌بیت است.
بقیه جمعیت بنگلادش متفاوت هستند. برخی هندو، سنی، وهابی، حنفی و... هستند. الان متاسفانه حنفی‌ها فقط در ظاهر حنفی هستند و به وهابیت تغییر کرده‌اند. وهابی‌ها در بنگلادش بسیار کار می‌کنند.
مثلا در مسجد علیه ما حرف می‌زنند یا وسط مراسم عزاداری می‌آیند و داد و بیداد راه می‌اندازند. ولی باقی مردم بنگلادش پنج تن را دوست دارند و حرکتی علیه شیعیان نمی‌کنند. به‌طور مثال در یک منطقه که ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارد، شاید ۵۰ نفر شیعه باشند و اگر مردم بخواهند اذیت کنند، این شیعیان نمی‌توانند زندگی کنند. درحالی که این‌طور نیست و به شکل مسالمت‌آمیزی کنار هم زندگی می‌کنند. پس مردم به‌رغم تبلیغاتی که وهابیون دارند، حرف آنها را گوش نمی‌دهند.
الان در کشور ما دهم محرم تعطیل است. قبلا کل دهه محرم تعطیل بود. دولت از شیعیان حمایت می‌کند ولی وهابیون بسیار کار می‌کنند و به هر طریقی بتوانند شیعیان را اذیت می‌کنند.
از نظر تبلیغی وهابی‌ها زیاد هستند و پول‌های سعودی و پشتیبانی آنها هم وجود دارد. قدری از ایران و بحرین و شیعیانی که وجود دارند، کمک به بنگلادش می‌رسد اما نسبت به وهابی‌ها کمتر است. بارها شده که ما سراغ گروهی رفته و از نظر علمی و غیرعلمی صحبت زیادی با آنها کرده‌ایم ولی ناگهان یک وهابی با پول، همه زحمات یک‌ماهه ما را در یک لحظه از بین می‌برد. مشکل اینجاست.
البته بستر جامعه بنگلادش بیشتر به‌سمت ما گرایش دارد. وقتی آقای اعرافی، مدیر حوزه علمیه قم، به کشور بنگلادش سفر کرده بود، جمله‌ای بیان کردند که ما نسبت به بنگلادش غفلت کردیم. ایشان فهمید زمینه خوبی در مردم وجود دارد و نسبت به بنگلادش غفلت شده است. این زمینه در مردم وجود دارد و باید روی آن کار شود. دلارهای سعودی در همه کشورها فعال است؛ اما نتیجه را باید دید که امام حسین(ع) ۱۴۰۰ سال ماندگار شده و وهابیت یک فرقه جعلی است و قطعا اینها هم رفتنی هستند. مساله دیگر این است که در کشور بنگلادش شیعیان دوازده‌امامی دو گروه هستند، یک گروه اصیل و یک گروه مستبصر هستند. شیعه اصیل یعنی کسی که اجداد او شیعه هم بوده‌اند. گروه مستبصرین درس خوانده‌اند و اندک‌اندک شیعه شده‌اند. الان جمعیت مستبصرین رو به افزایش است. روحانیونی قبل از ما در ایران درس خوانده و برای تبلیغ به کشورشان برگشته‌اند. مردم اندک‌اندک جزئیات دین اسلام را می‌فهمند و درست و غلط حرف‌های وهابیون را تشخیص می‌دهند. شیعیان بحمدالله در بنگلادش زیاد می‌شوند؛ درحالی که قبلا به‌هیچ‌وجه به‌حساب نمی‌آمدند. هرچند الان هم تعداد شیعیان اندک است ولی رو به افزایش هستند.

کربلای بنگلادش

شکل عزاداری‌های ما شیعیان بنگلادش، شبیه مردم پاکستان و هند است. زبان مردم بنگلادش، بنگلا است که با زبان فارسی متفاوت است؛ اما به زبان هند و پاکستان شبیه است. مداحانی هم داریم که بین خودمان معروف هستند. دو مداح مشهور بین ۳۰ تا ۵۰ هزار نفری که شیعه هستند، داریم. افراد بسیاری مداحی می‌کنند اما مداحان مشهور همان ۳-۲ نفر هستند که همه آنها را می‌شناسند.
اما غیرشیعیان هم به سبک خودشان عزاداری می‌کنند. این عزاداری‌ها هر سال برگزار می‌شود. آنها تعزیه‌خوانی دارند که شبیه آنچه در ایران به‌صورت نمایش برگزار می‌شود، نیست. ضریح درست می‌کنند و نام این ضریح‌ها تعزیه است. ضریح امام حسین(ع)، ضریح حضرت علی اصغر(ع) و... را درست می‌کنند. مردم به این ضریح‌ها احترام می‌گذارند و برخی داخل‌شان پول می‌گذارند، یا نذر می‌کنند. این مراسم هم در اهل سنت و هم در شیعیان وجود دارد؛ اما اهل سنت این ضریح‌ها یا همان تعزیه‌ها را در ابعاد بزرگ می‌سازند و در عاشورا اینها را در جایی دفن می‌کنند. جایی به نام کربلا داریم که خیلی برای مردم مقدس است. این تعزیه‌ها را درست می‌کنند و در روز عاشورا در آن مکان که نامش کربلاست، دفن می‌کنند. سال بعد، دوباره تعزیه می‌سازند و باز همین روند ادامه پیدا می‌کند. این رسم پیامی دارد. ما که نمی‌توانیم به کربلا بیاییم، ضریحی می‌سازیم و به یاد حرم امام حسین(ع) به آن احترام می‌گذاریم. این تعزیه‌ها را به همین علت مردم مقدس می‌شمارند که نمادی از ضریح شهدای کربلاست.

آرمان رهایی‌بخش سیدالشهدا(ع) در شرق استوایی

درمورد پیام امام حسین(ع) و ایده آزادی و رهایی و عدالت و آنچه آرمان همه ملت‌های ستمدیده است، باید در بنگلادش بین مردمی که سطح علمی پایین‌تری دارند، کار شود. این موضوعات به سطح علمی بالاتری نیاز دارد اما در کشور ما این مسائل در سطح پایینی است. مردم عام به اهل‌بیت محبت دارند و به‌خاطر همین عزاداری‌ها را انجام می‌دهند؛ اما طلبه‌ها و تحصیلکرده‌های حوزه که در ایران تحصیل کرده‌اند، این مسائل را در کشور ما تبلیغ می‌کنند. مردم باید بفهمند که امام حسین(ع) چرا شهید شد و علت چه بود. الان این موضوع بین مردم تبلیغ می‌شود و کم‌کم بین مردم رواج می‌یابد و البته باید به این نکته توجه کرد که وهابی‌ها هم اذیت می‌کنند.
خبر پیروزی انقلاب و توصیف شخصیت امام خمینی(ره) به مردم بنگلادش رسیده ولی به همه مردم هنوز نرسیده است. سعی می‌شود این خبر در هر گوشه کشور رسانده شود و این مسائل باید در کشور رواج یابد.
در سال‌های اخیر توانستیم ۳۰۰-۲۰۰ کتاب ترجمه کنیم یا بنویسیم که درباره اسلام، شیعه و انقلاب است. کتاب‌ها باید بیشتر باشد و باید سالانه هزار کتاب داشته باشیم و به این سطح نرسیده‌ایم. اگر خدا بخواهد به این سمت حرکت می‌کنیم. فضای مجازی هم بین مردم تاثیرگذار است. باید از این ابزار استفاده کرد. فقط نکته اینجاست که در کشور بنگلادش، ما رهبر شیعیان نداریم. یک سیاست این است که در هر کشور و بین شیعیان، رهبری حضور دارد تا شیعیان را مدیریت کند. مثلا همانند آفریقا که در آنجا شیخ زکزاکی هستند و در بحرین شیخ عیسی قاسم هستند.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

شیخ علی اسدی، مبلغ ایرانی تشیع در لبنان

از تو آموختیم چگونه مظلوم باشیم و پیروز شویم

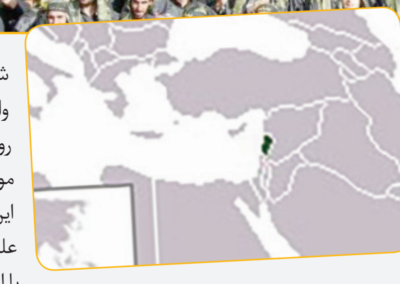

سیدالشهدا(ع)؛ عامل برادری بین ملت‌ها

عموما با اینکه دشمنان سعی کرده‌اند روابط شیعه و سنی را در لبنان به هم بریزند و مثلا یکی از بزرگ‌ترین اقداماتی که برای رسیدن به این هدف انجام داده‌اند، قتل رفیق حریری بود، اما همچنان روابط بین شیعه و سنی در این کشور برادرانه است.
این نگاه مسالمت‌آمیز براساس آگاهی‌ای است که پدید آمده و اکثرا روابط مردم با هم خوب است و با هم ازدواج هم می‌کنند، همسایه و فامیل و دوست و رفیق هم هستند و... البته در برخی مناطق مشکلاتی وجود دارد. در برخی نواحی تندروی هایی از هر دو طرف وجود دارد ولی اکثرا، خصوصا بین علمای دین، تلاش شده که این روابط برادرانه باشد. خیلی از علمای دینی اهل سنت در مراسم محرم شرکت می‌کنند، سخنرانی می‌کنند و درباره مظلومیت امام حسین(ع) صحبت می‌کنند. خیلی از جلسات علنی بین علمای سنی و شیعی برگزار می‌شود. دوستانه با هم شرکت می‌کنند، در ختم و دیگر مراسم‌ها هم شرکت می‌کنند. مسیحیان هم به دو گروه تقسیم می‌شوند. یک‌سری از مسیحیان هستند که آگاهی ندارند و نمی‌خواهند آگاهی داشته باشند و اصولا طرفدار غرب و آمریکا هستند. برخی هم هستند که نسبتا جمعیت بالایی دارند، آنها امام علی(ع) و امام حسین(ع) را می‌شناسند. حتی برخی پدران روحانی و راهبان مسیحی در مراسم محرم شرکت می‌کنند و درباره مظلومیت امام حسین(ع) صحبت می‌کنند. درباره عدالت امام علی(ع) بسیار صحبت می‌کنند. به‌خصوص جرج جرداق، شعر درباره امام علی(ع) نوشته و جبران خلیل جبران هم که از شعرای مسیحی است، درباره امام علی(ع) نوشته است. چون نویسنده‌های مسیحی درباره اهل‌بیت نوشته‌اند، عموما مسیحیان هم اهل‌بیت را می‌شناسند و در مراسم‌ها شرکت می‌کنند و با شیعیان رابطه خوبی دارند. معمولا عزاداری‌های محرم به‌نحوی است که بین ملت‌ها برادری ایجاد می‌کند. مانند ایرانی‌ها و عراقی‌ها. بین ملت لبنان نیز همین‌طور است و شاید خیلی بیشتر هست. شیعیان لبنان ۴۰-۳۰ سال پیش به دو دسته تقسیم شدند و با هم جنگیدند، جنگ داخلی داشتند و از هم کینه زیادی داشتند اما این محرم و امام حسین(ع) بود که کینه‌ها را برداشت. الان از برادر به هم نزدیک‌ترند. مجالس آنها با هم مشترک است و این مجالس باعث شد این برادری بیشتر شود و حتی ادیان و مذاهب دیگر را هم نزدیک کرد، چون پیام امام حسین(ع) و مجالس ایشان به مردم دنیا و به ملت‌ها و ادیان و مذاهب دیگر این است که هدف ما دفاع از مظلوم است، هر مظلومی که باشد. این مساله را مردم حس می‌کنند.

سنت‌های اقامه عزا در لبنان

عزاداری‌های لبنان به این صورت است که در حسینیه، مسجد یا در خانه برگزار می‌شود. در حسینیه‌ها، ابتدا یک قاری، قرآن می‌خواند و اگر ماه محرم باشد، یک روحانی سخنرانی می‌کند. بعد مداح روضه می‌خواند و یک مداح دیگری سینه‌زنی می‌کند. در اینجا مداح روضه‌خوان غیر از مداحی است که سینه‌زنی می‌خواند. مداح روضه‌خوان عموما باید شیخ باشد حتی اگر ملبس نباشد. در خیلی از مجالس، همان روحانی که سخنرانی می‌کند، روضه را هم می‌خواند. ولی مداح سینه‌زن، روحانی و طلبه و شیخ نیست و فقط سینه‌زنی‌خوان است که در لبنان به آن رادود می‌گویند؛ یعنی کسی که سینه‌زنی می‌خواند ولی طلبه یا روحانی نیست. منظور از رادود کسی است که تکرارها را به مردم می‌گوید. در سینه‌زنی مردم باید یک جمله را تکرار کنند. به همین دلیل به او رادود می‌گویند. عموما در کشورهای عربی و روضه‌خوانی‌های عربی این چنین است؛ یعنی در کشورهای جنوب خلیج‌فارس، عراق و بحرین. عزاداری‌های خوزستان هم مانند عراق است. خود من در اهواز ۳-۲ سال سخنرانی کردم و روضه خوانده‌ام و بعد همان روش را در لبنان هم اجرا کردم. در سبک عزاداری یک شیوه دیگر هم دارند که وسط زمین استادیوم ورزشی، تئاتر حسینی برگزار می‌کنند که در ایران به آن تعزیه‌خوانی می‌گویند. مردم اطراف زمین فوتبال جمع می‌شوند و بازیگران با اسب و لباس مخصوص، وسط میدان واقعه عاشورا را به‌عنوان تئاتر بازی می‌کنند. این گسترده شده و در خیلی از روستاهای لبنان برگزار می‌شود. در برخی روستاها تعزیه‌خوانی می‌کنند و حتی از روستاهای دیگر هم به آن مراکز می‌آیند. یک روستایی در لبنان هست به نام «مَجدَل سلم» که تعزیه‌خوانی معروفی دارد. البته لبنانی‌ها راهپیمایی روز عاشورا هم دارند.
سنت تعزیه‌خوانی لبنان به زمان رضاخان برمی‌گردد. در زمان رضاخان پهلوی، خیلی از ایرانی‌ها از ایران فرار کردند و به‌سمت سوریه و لبنان آمدند. این ایرانی‌هایی که در جنوب لبنان در آن زمان مستقر شدند، سنت تعزیه‌خوانی را وارد لبنان کردند و از آن زمان این امر منتشر شد و سال به سال پیشرفته‌تر و بهتر شد.
مرحله دوم به زمانی برمی‌گردد که ایرانی‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وارد لبنان شدند. آنها بسیار تاثیرگذار بودند چون سنت روضه‌خوانی عمومی، در همه روستاها، حسینیه‌ها و منازل، همانند الان نبود. حتی حجاب زنان مثل الان نبود. الان حجاب در لبنان زیاد شده است. وقتی ایرانی‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وارد لبنان شدند خیلی تاثیر گذاشتند.
روضه‌خوانی‌ها ابتدا از خوزستان وارد لبنان شد، به جوانان مومن و انقلابی لبنانی آموزش داده شد و الان لبنان از این حیث غنی است. به‌دلیل اینکه بسیاری از روحانیون و علمای ایرانی خصوصا خوزستانی که زبان عربی بلد هستند، با اینکه آن زمان بسیار خطرناک بود و مردم درگیر جنگ داخلی بودند، به لبنان آمدند و در روستاها و شهرهای مختلف روضه‌خوانی کردند. همزمان بسیاری از جوانان ایرانی، همراه علمای ایرانی به لبنان آمدند و روضه خواندند و روضه‌خوانی را آموزش دادند. خیلی از جوانان لبنانی در این زمینه آموزش دیدند و هم روضه‌خوانی یاد گرفتند و هم وارد حوزه علمیه شدند و روحانی هستند. الان خود آنها آموزش می‌دهند و این باعث شده که این سنت بسیار گسترش یابد. درحال حاضر در هر شهر و روستایی، ۲۰-۱۰ روضه‌خوان و مداح هست. این از آثار پیروزی انقلاب اسلامی در لبنان بود. قبل از این عادت تعزیه‌خوانی از زمان رضاخان توسط شیعیانی که از ایران فرار کردند، گسترش یافت و حالا روضه‌خوانی هم دارند. البته لبنان با اینکه هیچ روضه‌خوان، مداح و سخنرانی نداشت، روحانی زیاد داشت. حضور روحانیون در لبنان از صدها سال پیش است و بزرگ‌ترین علمای اسلام از لبنان هستند. همانند حر عاملی که در حرم امام رضا(ع) دفن است. یا شیخ بهایی اصالتا لبنانی است و تا پنج سالگی در لبنان بود. شهید اول و شهید ثانی، علامه کَفعَمی و...، همه از علمای لبنان هستند؛ ولی روضه‌خوان‌ها و مداحان با پیروزی انقلاب اسلامی و آمدن ایرانی‌ها به لبنان آموزش دیدند و حالا به حدی رسیده که روضه‌خوان‌ها و نوحه‌خوان‌های لبنانی به کشورهای دیگر، خصوصا کشورهای اروپایی می‌روند و برای لبنانی‌ها و اعرابی که در آن کشورها سکونت دارند، می‌خوانند. سالیانه ده‌ها روضه‌خوان و مداح لبنانی به کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌روند تا برای شیعیان در آن کشورها نوحه‌خوانی و مداحی کنند. درحقیقت لبنانی‌ها بعد از اینکه وارد کننده نوحه‌خوان بودند، الان صادرکننده شده‌اند. البته به‌خاطر کرونا امسال این مراسم نیست و مجالس عمومی هم نیست و به‌صورت آنلاین یا از طریق تلویزیون برگزار می‌شود. مجالس عمومی را هم مسئولان و هم سیدحسن نصرالله گفته‌اند که همه مردم، امسال به‌صورت آنلاین برگزار کنند. یعنی در روستاها یا مسجد برگزار شود و فیلمبرداری شود و از طریق کابل‌های داخلی برای تلویزیون‌ها فرستاده شود یا از طریق فیس‌بوک پخش مستقیم شود چون همه آنجا فیس‌بوک دارند.

عمق نفوذ پیام رهایی‌بخش سیدالشهدا(ع)

پیام رهایی‌بخش امام حسین(ع) که هم عدالت و هم آزادی دارد، اتفاقا مساله‌ای است که بین مردم لبنان به‌خوبی جا افتاده است و این عزاداری‌ها صرفا در حد رسمی نیست که هر سال باید انجام شود. شاید بیشترین اعتقاد در بین اعتقادات دینی ما که بین مردم لبنان به‌خوبی جا افتاده، همین رهایی‌بخشی سنت اقامه مجالس امام حسین(ع) است. هدف از اقامه این مجالس، زنده نگه‌داشتن این حرکت است. اینکه با اقامه این مجالس، از آنها دفاع و به آنها کمک کنیم. سال‌های سال است که ما این‌چنین از مردم فلسطین دفاع می‌کنیم. با اینکه آنها شیعه نیستند، ولی هدف ما، چنانکه از پیام امام حسین(ع) و پدر بزرگوارشان امیرالمومنین(ع) برمی‌آید این چنین بود که همه‌جا از مظلوم در برابر ظالم دفاع کنیم. امام علی(ع) در وصیت خود می‌گوید ضد ظالم و همراه با مظلوم باشید و مهم نیست دین و مذهب آن مظلوم چیست. مهم رهایی‌بخشیدن مظلوم از چنگال ظالم است. لذا مردم این مساله را خوب فهمیده‌اند که پیام امام حسین(ع) چیست. جمله معروف گاندی نیز وجود دارد که گفته «از حسین آموختم چگونه مظلوم باشم و پیروز شوم.» این جمله را تقریبا همه مردم لبنان حفظ هستند و در جاهای مختلف نوشته می‌شود. با اینکه گاندی مسلمان نبوده است، چنین جمله‌ای گفته و در لبنان هم روی غیرشیعه‌ها و حتی غیرمسلمانان تاثیر داشته است. این نشان می‌دهد که پیام امام حسین(ع) یک پیام رهایی‌بخش جهانی، بدون نگاه به مذاهب و ادیان است.
نگاه لبنانی‌ها به مردم ایران هم از رهگذر عشق به اهل‌بیت و به امام حسین(ع) می‌گذرد. لبنانی‌ها مردم ایران را مردمی می‌بینند که از جان و دل عاشق اهل‌بیت و امام حسین(ع) هستند. این عشق ایرانی‌ها به اهل‌بیت زبانزد عام و خاص در لبنان است. به‌طور ویژه بعد از اوج گرفتن شبکه‌های اجتماعی و یوتیوب و...، ویدئوهای حاج‌محمود کریمی، حاج‌مهدی رسولی یا میرداماد و... منتشر شد. خصوصا در اربعین ایرانی‌ها را خوب می‌بینند که از جان و دل عاشق اهل‌بیت هستند و این در لبنان زبانزد عام و خاص است.
روی همین حساب، نگاه به ایرانی‌ها یک نگاه برخاسته از عشق به اهل‌بیت است و این عشق به ایرانی‌ها را در دل لبنانی‌ها و حتی عراقی‌ها بیشتر کرده و همین است که ما را یکی و متحد می‌کند. آنچه برادری بین ملت‌ها را قوی کرده، همین نگاه و عشق به اهل‌بیت است. نگاه لبنانی‌ها این است که همه عاشق اهل‌بیت هستیم و ایرانی‌ها شدیدتر هستند و برایشان دوست‌داشتنی است که ایرانی‌ها چطور از جان و دل عشق به اهل‌بیت می‌ورزند. شیعیان لبنان وقتی ایرانی می‌بینند شاد می‌شوند اما این مختص شیعیان نیست. حدود ۱۶ سال پیش سفری کردم به شهر صیدا در لبنان که اصولا یک شهر سنی‌نشین است. یکی از دوستان همراه من بحرینی و دیگری لبنانی بود. به یک رستورانی رفتیم که صاحب آن سنی بود و وقتی فهمید من از ایران هستم، من را بغل کرد و بوسید. چون می‌دانند ایرانی‌ها عاشق اهل‌بیت هستند و رهبران دفاع از مستضعفان و مظلومان جهان هستند. هیچ کشوری در دنیا نیست که همانند ایران ثابت کرده باشد هدف اولش دفاع از مظلومان و مستضعفان است؛ بدون اینکه نگاهی به مذهب و دین آنها داشته باشد. برای ما مهم این است که از مظلوم دفاع کنیم، هر جای دنیا که باشد. این را مردم لبنان و غیرلبنان خوب فهمیده‌اند، همان‌طور که مردم بوسنی با اینکه شیعه نیستند، این مساله را خوب فهمیده‌اند. وقتی ایرانی می‌بینند الله‌اکبر می‌گویند. این بدین معناست که ایرانی‌ها در موضع دفاع از مظلوم هستند.

محمدهادی تسخیری، رایزن فرهنگی ایران در کشورهای آفریقایی و آسیایی

حکومت زینب(س) بر دل‌های شامیان

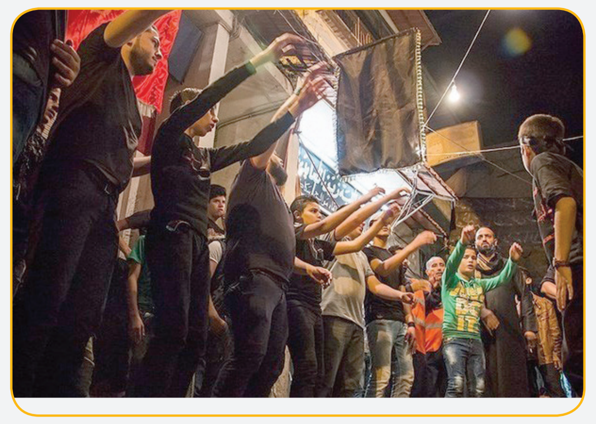

ما در ایران بیشتر آن دسته از مباحث اهل‌بیتی را مطرح می‌کنیم که مظلومیت امام حسین(ع) را توصیف می‌کنند؛ همین‌طور مظلومیت اولاد و فرزندان و برادران ایشان را بیشتر بیان می‌کنیم. سوری‌ها روی مظلومیت امام حسین(ع) متمرکز می‌شوند و البته روی مظلومیت حضرت زینب(س) هم تاکید دارند. آنها برای ایشان مقام بسیار والایی قائل هستند. البته عزاداری‌ها در سوریه به این معنا که ما عزاداری می‌کنیم، نیست. سال‌های سال فرهنگ اموی تلاش کرده، بگوید دهه اول محرم یا روز عاشورا عید است. خیلی‌ها روز عاشورا را روزه و جشن می‌گیرند و لباس نو می‌پوشند. این اقدام از روی کینه و دشمنی با اهل‌بیت(ع) نیست، بلکه از جهل و نادانی است. چنین چیزی به سوریه هم منحصر نمی‌شود. در سودان نزد یک طریقه صوفیه می‌رفتیم، یک ساعت صحبت می‌کردیم که امام حسین(ع) در این روز شهید شد، فرزندان ایشان کشته شدند، خانواده ایشان به اسارت رفتند. غم و غصه در چهره آنها ظاهر می‌شد، چون امام حسین(ع) را در سودان دوست داشتند. هر خانواده‌ای که فرزند دوقلو پسر داشته باشد، بلااستثنا اسم آنها را حسن و حسین می‌گذارد.
در سودان مثلی هست که اگر کسی مورد ظلم‌وستم قرار گیرد، می‌گوید همانند حسن و حسین به من ستم کردند. خودشان می‌دانند دشمنان و اموی‌ها به امام حسین(ع) و امام حسن(ع) ظلم بسیار کرده‌اند، ولی تبلیغات اموی متاسفانه در خیلی جاها نفوذ کرده است. حتی در بین صوفی‌هایی که محب اهل‌بیت(ع) هستند. یک ساعت با این افراد صحبت می‌کردیم و بعد از اینکه کلی متاثر شدند، می‌دیدیم دوباره مراسم جشن خود را ادامه می‌دادند. اما این تبلیغات باعث نشده که شعله محبت به امام حسین(ع) کم‌فروغ شود. وقتی در سوریه، شیخ بدرالدین حسون می‌خواهد از امام حسین(ع) صحبت کند، از هر شیعه‌ای قوی‌تر، جانسوزتر و دردناک‌تر صحبت می‌کند. او سنی هم هست، مفتی اهل سنت سوریه هم هست، ولی وقایعی را که می‌گوید از کتاب‌های اهل سنت بازگو می‌کند. محبتی که رسول‌الله(ص) به امام حسین(ع) دارد و حوادثی که کتاب‌های اهل سنت درباره مظلومیت ایشان نوشته‌اند، نشان می‌دهند که این امام مربوط به شیعه نیست، مربوط به همه آزادگان جهان است. امام حسین(ع) برای آنها، هم الگوی آزادی‌بخشی است، هم الگوی رهایی‌بخشی است، هم الگوی مبارزه با ظلم‌وستم است، هم الگوی ایثارگری است، هم الگوی تربیت انسان مجاهد و غیرتمند دینی -نه غیرتمند متعصب و کورکورانه- است. الگوی تربیت غیرتمندی است که دین را از روی شناخت و تبعیت از ولایت و اصول واقعی اسلام می‌شناسد.

عزاداری شیعیان سوریه

در سوریه شیعیان در دو پایگاه اصلی قرار دارند که یکی مرقد حضرت زینب(س) و دیگری مرقد حضرت رقیه بنت‌الحسین(س) است. آنجا دو مرقد رقیه(س) است که یکی رقیه بنت علی، یعنی بنت علی بن ابیطالب(ع) است که نزدیک زینبیه است و دیگری بنت‌الحسین(ع) است. حرم حضرت رقیه بنت امیرالمومنین(ع) را داعشی‌ها منفجر کردند و الان به‌خاطر کرونا در هیچ جایی مراسم نیست، ولی قبل از این هم در حرم حضرت رقیه بنت علی(س) مراسم نبود، چون منفجرش کردند. ابتدای جنگ داخلی سوریه آنجا را کامل منفجر کردند و مراسمی در آنجا برگزار نمی‌شد. به هرحال قبل از ایام کرونا در دو مکان اصلی، یکی مرقد حضرت زینب(س) و دیگری در مرقد حضرت رقیه بنت‌الحسین(س) مداحی و سخنرانی‌های مذهبی برگزار و سینه‌زنی می‌شد. تقریبا عزاداری‌هایی شبیه ایران برگزار و زیارت عاشورا خوانده می‌شد.
حتی خیلی از هیات‌هایی که از ایران به سوریه می‌آمدند، در حرم حضرت رقیه(س) مجلس خاصی برگزار می‌کردند. حرم ایشان به چند صحن تقسیم شده و در آن صحن جدید، ایرانی‌ها و هیات‌هایی که از ایران می‌آمدند، مراسم دهه اول، دوم و سوم محرم و حتی مراسم دهه اول صفر را تا اربعین برگزار می‌کردند. این دو بخش اصلی عزاداری در سوریه است.
غیر از این دو بخش، در چند جای دمشق عزاداری هست؛ یکی حی‌الصادق است که شیعیان در آن حضور دارند و دیگری در منطقه حی زین‌العابدین است که آنجا هم شیعیان هستند و یک منطقه کوهستانی است. کوه قاسیون که مشرف به دمشق است، در آنجا منطقه زین‌العابدین قرار دارد و مراسم عاشورا برگزار می‌شود. دیگری در منطقه‌ای به نام حی‌الامین است که منطقه سکونت شیعیان است و آنجا هم مراسم برگزار می‌شود و این مراسم را شخص معروفی به‌نام سیدعبدالله نظام، از شیعیان روحانی و تحصیلکرده نجف که در سوریه کاملا شناخته شده است، اداره می‌کند.
در این مکان‌ها و در این عزاداری‌ها مداحان سوری هستند که می‌خوانند و مداحان ایرانی کمتر حضور دارند. تنها در حرم حضرت رقیه(س) و حرم حضرت زینب(س) مداحان ایرانی می‌خوانند، ولی در این سه مکان مداحان ایرانی برنامه‌ای ندارند و تنها مداحان سوری و احیانا لبنانی و گاهی عراقی برنامه اجرا می‌کنند.
این پنج مکان، مراکز عزاداری‌هایی است که در دمشق برگزار می‌شود. در حلب هم یک جایی به نام منطقه‌النقطه است. آن مسجد هم همان جایی است که سر مطهر امام حسین(ع) را در مسیر کربلا به دمشق، راهب مسیحی گرفت و شب نزد خود نگه داشت. این قصه معروف است که این سر مبارک را یک شب نگه داشت و آن را شست‌وشو داد و عطرآگین کرد. آنجا را شیعیان و مسلمانان و اهالی حلب به‌صورت مسجد درآوردند و اکنون به کمک ایرانی‌ها آباد شده و توسعه یافته است و مراسم عاشورا در این مکان هم برگزار می‌شود، اما الان به‌دلیل بیماری کرونا آنجا مراسمی برگزار نمی‌شود. وضعیت کرونا در سوریه هم شدت گرفته و دولت تجمع را ممنوع کرده است.

ادامه در صفحه ۱۴